

زرمه‌هایی درباره قیمت سوخت و حامل‌های انرژی

«الان دوباره زرمه‌های درباره اجرای فنر قیمت حامل‌های انرژی و سوخت به گوش می‌رسد گویی که زخم‌های سال ۱۳۹۸ التیام یافته و چون عزیزان در معرض زخم‌های ۱۴۰۱ هستند، مجدداً به سراغ آن رفته‌اند. شما چگونه انتظار بهبود وضعیت در اثر شوک درمانی دارید وقتی به آن جراحی و مجروح سازی و ... می‌گویید؟»

به گزارش سایت خبری پرسون، «الان دوباره زرمه‌های درباره اجرای فنر قیمت حامل‌های انرژی و سوخت به گوش می‌رسد گویی که زخم‌های سال ۱۳۹۸ التیام یافته و چون عزیزان در معرض زخم‌های ۱۴۰۱ هستند، مجدداً به سراغ آن رفته‌اند. شما چگونه انتظار بهبود وضعیت در اثر شوک درمانی دارید وقتی به آن جراحی و مجروح سازی و ... می‌گویید؟»

فرشاد مومنی استاد دانشگاه علامه و اقتصاددان در نشست مجازی موسسه دین و اقتصاد با موضوع «نقد و بررسی کتاب چگونه چین از شوک درمانی گریخت؟» با بیان اینکه ساده‌انگاری افراطی و دم‌دستی کردن واقعیات پیچیده، ریشه اصلی فاجعه سازی‌های ناشی از شوک درمانی در سطح دنیا است، گفت: باید حواسمان باشد که شوک درمانی یک مشترک لفظی است. ما با گونه‌های پرشماری از شوک روبرو هستیم که بعضی از آنها می‌تواند نیروی محرکه نجات هم باشد. آن شوک‌هایی که نیروی محرکه جهش‌های توسعه‌ای است، اقتصاد را از یک وضعیت تعادلی موجود به یک سطح بالاتر هدایت می‌کند اما آن چیزی که به عنوان یک پدیده مضموم در این خصوص معرفی شده، کادر برنامه تعدیل ساختاری با فشار برخی سازمان‌های بین‌المللی در برخی کشورهای در حال توسعه است. به اسم اصلاح بزرگترین فساد را رقم می‌زنند به این صورت که به شرایط اولیه جامعه بی‌اعتنایی می‌کنند، نسبت به مسئولیت‌های حکومت در تمهید بستر نهادی برای پیشبرد آن اهداف توجه نمی‌کنند و فقط با تمسک به تغییرات قیمتی ناگهانی و بی‌مقدمه بسنده می‌کنند. برای اینکه جلوی این فریب‌ها گرفته شود باید سطح شعور و دانایی نظام تصمیم‌گیری را بالا برد. ما باید یک شاقول برای سنجش ادعاها و وعده‌های آنها لحاظ کنیم. آن شاقول چیست؟ اینها باید بفهمند اگر واقعا قرار است اصلاحی صورت بگیرد، ما باید شاهد تعادل و توازن بیشتر نیروهای اقتصادی و اجتماعی و بخش‌های مختلف اقتصادی باشیم و به ویژه باید شاهد بهبود و ارتقای کیفیت مردم هم باشیم. عدم تعادل‌هایی مانند تورم و بیکاری باید مرتباً جای خود را به رشد مستمر بدهد. باید با این فریب‌هایی که مافیایا با دستکاری ذهن مخاطبان‌شان در ساختار قدرت انجام می‌دهند، مبارزه کرد.

وی افزود: بالغ بر ۱۰۰ سال است که اقتصاد ایران در اسارت نااطمینانی‌ها با منشا طبیعت و شوک‌های برون‌زا بوده است. تا زمانی که این نااطمینانی‌ها حل و فصل نشود ایران از چمبره توسعه نیافتگی خارج نخواهد شد. این نااطمینانی‌های برون‌زا با مناسبات اقتصاد سیاسی بین‌المللی پیوند خورده است. در صدساله اخیر که اقتصاد ایران به نفت آلوده شده، با پدیده شوک برون‌زا و نوسانات قیمت نفت هم روبرو بوده ایم. نوسانات قیمت نفت بیش از ۲ برابر نوسانات همه کالاها و خدماتی است که در بازارهای جهانی مبادله می‌شود.

استاد دانشگاه علامه خاطرنشان کرد: چرا با اینکه در گزارش‌های رسمی نوشته شده ایران از نظر نااطمینانی‌های با منشا طبیعت یکی از آسیب‌پذیرترین کشورهای دنیا است، در هیچ‌کدام از برنامه‌های توسعه، تمهید بایسته‌ای نداریم و نسبت به آبا و نیاکان خود پس‌رفت داشته ایم؟ متأسفانه قبل از اینکه ما به مصرف‌کننده فرآورده‌های مادی کشورهای پیشرفته صنعتی تبدیل شویم، بخش اعظمی از نظام آموزش و پرورش مان مصرف‌کننده فرآورده‌های اندیشه‌ای آنها بوده است. چون در این نظام آموزشی روش‌شناسی جایگاهی ندارد، ما مسائل آنها را به عنوان مسائل خود شناسایی می‌کنیم و مسائل خود را هم تبیین نمی‌کنیم. بزرگ‌ترین فاجعه سازی ناشی از رواج بازارگرایی در کشورهای در حال توسعه، حساسیت زدایی از مسئله خطیر نااطمینانی‌ها است. کتوله‌پسندی ساختار قدرت در گزینش افراد به تداوم این مناسبات کمک می‌کند. اندیشه کارشناسی و علم از جنس قدرت است بنابراین یک‌ه تازی، علم را بر نمی‌تابد. ما دچار دو توهم بزرگ در ساختار قدرت و بخش‌هایی از بدنه کارشناسی هستیم. یک توهم این است که هرچه چپ‌ها بگویند غلط است در حالیکه اندیشه مارکسیستی مانند هر اندیشه بشری در عین حال که کاستی‌هایی دارد نقاط قوتی هم دارد. توهم دیگر این است که چون بلوک شرق سابق فروپاشیده، بگوییم هرچه راست‌گراها می‌گویند درست است.

وی در ادامه بیان کرد: جامعه یک کل بهم پیوسته است بنابراین توهم متحول کردن جامعه با ابزار پول و قیمت فاجعه می‌سازد. مساله قیمت و بازار تابع کیفیت و ماهیت دولت است. در صورت بندی نظری شوک درمانی باید پیرسیم کدام دولت و تحت چه شرایطی می‌خواهد دست به شوک درمانی بزند؟ شوک درمانی روی سه رکن آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی سازی و آزادسازی تجاری استوار است اما در کشورهای در حال توسعه آزادسازی و خصوصی سازی در غیاب نهادهای پشتیبان بازار و برنامه توانمند سازی دولت و بخش خصوصی صورت می‌گیرد. توانمند سازی بخش دولتی حیاتی‌تر است چون اگر شما یک دولت ضعیف داشته باشید، با بهای اندک به صورت رشوه خودفروشی می‌کند. همه باید فهمیده باشند مقام نظارت بالاتر از مقام اجرا است و اگر حکومت بخواهد تنظیم‌گری کند سطح مهارت و تسلط او بر اقتصاد باید بالاتر از بخش خصوصی باشد.

مومنی با بیان اینکه توصیه به آزادسازی تجاری قبل از تمهید یک برنامه مبتنی بر ارتقا بنیه تولید ملی فاجعه ساز خواهد شد، گفت: در دهه ۱۳۷۰ شوک قیمت ارز را با این توهم که انگیزه واردات کاهش پیدا کنند اجرا کردند اما در ۵ ساله اول بعد از شوک نرخ ارز، اندازه‌ی واردات کالاهای لوکس در ایران ۵۳ برابر رشد کرد. هر کس می‌خواهد آزادسازی تجاری کند اول باید برنامه ارتقای بنیه تولیدی را اجرا کند وگرنه تو کاری می‌کنی منابع ارزی اندکی که داری صرف واردات لوکس شود که کینه و خشم را بسترسازی می‌کند. حیاتی‌ترین رمز نجات چین از شوک درمانی این است که راه حل غلبه بر بحران کمپایی در یک کشور با فقر گسترده و عقب ماندگی مزمن تاریخی، ارتقای بنیه تولیدی و راه اندازی بستر نهادی مشوق تحقق صرفه‌های ناشی از

مقیاس است درحالیکه بازارگرایی مبتذل و برنامه تعدیل ساختاری به جای ارتقای بنیه ملی کنترل، تقاضای محروم ترین گروه های اجتماعی را در دستور کار قرار می دهد. در اقتصادی که دولت بزرگترین مصرف کننده و بزرگترین سرمایه گذار باشد، شوک های قیمتی حکومت را دچار افلاس مالی کرده و آن را به یک موجود خطرناک تبدیل می کند که برای تامین نیازهای مالی به صورت مردم و تولیدکننده ها چنگ می اندازد.

حکومت مفلس قادر نیست از عهده تعهدات خود بر بیاید. صندوق بین المللی پول گزارشی منتشر کرد که در آن می گوید فقط ۵ کشور هستند که در زمینه مسئولیت پذیری حکومت در زیرساخت های فیزیکی و انسانی توسعه اش نسبت به تولید ناخالص داخلی شان از ایران کوچک تر است. از جهتی شوک درمانی به ورشکستگی مولدها هم منجر می شود. گزارش های رسمی می گوید در ۱۵ سال گذشته حدود ۱۰ هزار واحد صنعتی در ایران ورشکسته شده و ۶۱ درصد ظرفیت های صنعتی در ایران بلااستفاده است. آنهایی که برای ما ژست اسلامی می گیرند چطور می توانند به این همه اسراف حساس نشوند؟ این بلااستفاده ماندن یعنی دولت انسان تربیت کرده است، همه چیز را فراهم کرده و ماشین آلات را وارد کرده اما به خاطر شوک درمانی ۶۱ درصد ظرفیت هایش بلااستفاده شده است. چرا برای مسببین این ماجراها تنبیهی در نظر گرفته نمی شود؟ قانون فقط برای زلف خانم ها وجود دارد؟ این همه تخطی از قانون مجازات ندارد یا فقط یک دانشجویی که می گوید این چه بساطی است، باید تنبیه شود؟

این اقتصاددان با اشاره به اینکه برای توجیه شوک درمانی از تمثیل های واحدی استفاده می شود، گفت: تا می گوئیم چرا دارید زندگی مردم را بهم می ریزید می گویند این یک پیچ خطرناک است که باید از آن عبور کنیم. هربار در ایران از شوک درمانی استفاده می شود، این تمثیل ها به کار برده می شود. یک تمثیل دیگر این است که می گویند یک فتر در حال در رفتن است. ماجرای نرخ ارز تابع سیاست های پولی، مالی، تجاری و صنعتی است که اگر اصلاح شوند، فتری در کار نخواهد بود. الان دوباره زمزمه های درباره ماجرای فتر قیمت حامل های انرژی و سوخت به گوش می رسد گویی که زخم های سال ۱۳۹۸ التیام یافته و چون عزیزان در معرض زخم های ۱۴۰۱ هستند، مجدداً به سراغ آن رفته اند. شما چگونه انتظار بهبود وضعیت در اثر شوک درمانی دارید وقتی به آن جراحی و مجروح سازی و ... می گوئید؟ می گویند همه چیز را بر عهده بازار بگذاریم چون بازار از عقل سلیم بهتر عمل می کند. مگر ما در طول تاریخ بازار منهای دولت داشته ایم؟ اینکه طرز عمل بازار به چه سمت و سویی کشیده می شود، تابع نهادهای پشتیبان بازار است. برای ارتقای وضعیت و بهبود کیفیت زندگی باید زحمت کشید. اینکه کرکره عقل را پایین بکشیم جز فاجعه چیزی به بار نمی آورد.

وی با اشاره به بخش هایی از کتاب گریز چین از شوک درمانی، افزود: سهم روسیه از تولید ناخالص جهانی در پایان عمر اتحاد شوروی ۳.۷ درصد بود اما بعد از سه دهه شوک درمانی این سهم به ۲ درصد رسید یعنی حدود ۵۰ درصد سقوط رخ داده است. در همان سال ۱۹۹۰ سهم چین از اقتصاد جهانی ۲.۲ درصد بود که در سال ۲۰۱۷ به ۱۵ درصد رسیده است. هزینه فرصت تمسک به شوک درمانی با این اعداد قابل درک است. در این گذار، چین بیش از ۵۰۰ میلیون نفر را از خط فقر خارج کرد. سه چهارم جمعیت فقرای دنیا که در این سه دهه کاهش پیدا کرده، مربوط به چین بوده است. در همین دوره اندازه جمعیت فقیر روسیه ۵ برابر شده است. برخی برای توجیه مطامع رانت جویان از شوک درمانی آدرس های غلط می دهند. می گویند پدیده تورم صرفاً پولی است. حیاتی ترین مولفه تورم ساختاری ضعف بنیان های تولید فناورانه است. نتوکلاسیک ها در ایران می گویند کل تورم به نقدینگی ربط دارد و نقدینگی حاصل کسری بودجه دولت است. نقدینگی و کسری بودجه را پررنگ می کنند تا شوک درمانی به عنوان عامل اصلی ظاهر نشود. بعد از شوک درمانی هیچ عنصری به اندازه فاجعه سازی های رانتی و پرفساد بانک های خصوصی در دامن زدن به تب سوداگری های ضد توسعه، در ایجاد تورم نقش نداشته است. به ما می گفتند مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود اما برخی هرسال از ناحیه شوک درمانی گزیده می شوند و چرت شان پاره نمی شود. متأسفانه در ایران برای اینکه کسی تضعیف نشود، فرایند تصمیم گیری ها، اهداف و نتایج آنها ثبت و ضبط نمی شود. وقتی می خواستند افتتاح امسال را در زمینه شوک ارزی توجیه کنند رییس سازمان برنامه و بودجه می گفت چیزی نیست! حول و حوش ۷ درصد تورم ایجاد می شود. متأسفانه انقدر سهل انگاری که تنه به تنه نادانی می زند در اینجا وجود دارد.

مومنی در پایان گفت: یکی از حیاتی ترین راه های نجات، فهم سریع توالی ها است. اول باید به سمت جایی بروید که اکثریت جمعیت و فعالیت ها در آنجا است. بازارگرای افراطی مانند فریدمن و هایک می گفتند اول باید آزادی قیمت در دستور کار قرار گیرد تا بتوان استبداد را کنترل کرد. رابینز که خود بازارگرا بوده می گوید فاشیزم و نازیسم زاده ی رها سازی قیمت ها و افزایش تورم بوده اند. اینکه چینی ها انقلاب ناسیونالیستی را کنار زدند و سراغ کمونیست ها رفتند به خاطر قابلیت کمونیست ها در کنترل تورم ها بود. نجات چین از شوک درمانی نشان از این آگاهی داشت که هیچ چیز مقدم بر کنترل نیست چون تورم ثبات وامنیت را به چالش می کشد. کلید حل مساله سیاست های تورم زا، در طراحی یک نظام توزیع قدرت قرار دارد.

منبع: جماران